

مسألة الصلب وإنجيل يهوذا:

مسألة صليب و انجيل يهوذا:

س ۸ / وفيما يتعلق بمسألة الصلب، إلام يدعو السيد أحمد الحسن المسيحيين ؟

پرسش ۸: سید احمد الحسن در خصوص مسئله صلیب رفتن، مسیحیان را به چه فرا می خواند؟

الجواب: ليلتفت المسيحيون إلى مسألة أن عيسى تعرّض للصلب باطلاً، وقد بيّنت بطلانها من الإنجيل وأقوال عيسى ع فيه، وطلبه من الله أن يجرّ عنه الصلب وعذابه (1). فإما أن الله قد استجاب دعاء عيسى ع ورفعته ونزل شبيهه له، وهذا هو الصحيح. وإما أن الله لم يستجب دعاء عيسى ع، ومعنى قولهم هذا: أن الله لا يعبأ بدعاء عيسى ع.

پاسخ: مسیحیان باید به این نکته توجه داشته باشند اینکه عیسی ع خواستار به صلیب رفتن باشد باطل است؛ و باطل بودن آن را با استفاده از انجیل و سخنان عیسی ع در آن بیان نمودم، و همچنین درخواست ایشان ع از خداوند برای به صلیب رفتن و برگرداندن و رنج و آزار صلیب از او را (۲) پس

1. وهذه بعض أقواله: «.. ثم تقدم قليلاً وخر على وجهه وكان يصلي قائلاً يا أبتاه إن أمكن فلتعبر عني هذه الكأس ..» انجيل متى: 26. «.. ثم تقدم قليلاً وخر على الأرض وكان يصلي لكي تعبر عنه الساعة إن أمكن * وقال يا أبا الآب كل شئ مستطاع لك فاجز عني هذه الكأس ..». مرقس: 14. «.. وانفصل عنهم نحو رمية حجر وجثا على ركبتيه وصلى * قائلاً يا أبتاه إن شئت أن تجز عني هذه الكأس ..» لوقا: 22.

۲- اینها برخی از سخنان ایشان ع است: «... ۳۹ سپس قدری پیش رفته، به روی زمین در افتاده، دعا می کرد، در حالی که می گفت: ای پدر! اگر ممکن باشد این پیاله را از من بگذران...» (متی: ۲۶)، «... ۳۵ و قدری پیش تر رفته، به روی زمین افتاد و دعا کرد تا اگر ممکن باشد آن ساعت از او بگذرد ۳۶ پس گفت: ای پدر پدران، هر چیزی برای تو امکان پذیر است. این پیاله را از من بگذران...» (مرقس: ۱۴) و «... ۴۱ و از ایشان به مسافت پرتاب سنگی دور شده، به زانو درآمد و دعا کرده ۴۲ گفت: ای پدر، اگر تو بخواهی این پیاله را از من بگردان...» (لوقا: ۲۲).

یا خدا دعای عیسی ع را اجابت فرمود، او را بالا برد و شبیه او را فرو فرستاد - که این، عقیده‌ی صحیح است- و یا خداوند دعای عیسی ع را اجابت نفرمود؛ که در این صورت، معنای سخن آنان چنین است: خداوند به دعای عیسی ع اهمیتی نمی‌دهد!

وَأَيْضاً يَتَّهَمُونَ عِيسَى ع بِالسَّفْهِ وَضَعْفِ الْإِدْرَاكِ وَقِلَّةِ الْمَعْرِفَةِ، وَإِلَّا فَمَا مَعْنَى أَنْ يَطْلُبَ عِيسَى أَنْ يَجْزِيَ اللَّهُ عَنْهُ الصَّلْبَ إِذَا كَانَ قَادِرًا أَنْ يَصْبِرَ عَلَى عَذَابِ الصَّلْبِ دُونَ أَنْ يَشْتَكِيَ، وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ مَسْأَلَةَ الصَّلْبِ مَهْمَةٌ فِي مَسِيرَةِ الدِّينِ الْإِلَهِيِّ (3).

به علاوه آنها عیسی ع را به سفاقت، ضعف ادراک و کمی بصیرت متهم می‌کنند؛ در غیر این صورت، در حالی که عیسی این توانایی را دارد که بر آزار و شکنجه‌ی به صلیب رفتن بدون اینکه هیچ شکایتی داشته باشد صبر کند، اینکه عیسی ع درخواست می‌کند خداوند به صلیب رفتن را از او بردارد، چه معنایی دارد؟! در حالی که ایشان ع خود می‌داند که مسأله‌ی به صلیب رفتن، در روند پیشرفت دین الهی، مسأله‌ای مهم است. (4)

وَأَيْضاً: فَلْيَلْتَفِتُوا إِلَى الْوَثِيقَةِ التَّارِيخِيَّةِ (إِنْجِيلِ يَهُودَا) (5) الَّتِي بَيَّنَّتْهَا الْجَمْعِيَّةُ التَّارِيخِيَّةُ الدَّوْلِيَّةُ، وَهِيَ إِحْدَى الْمَخْطُوطَاتِ الْأَثَرِيَّةِ الَّتِي عُثِرَ عَلَيْهَا فِي مِصْرَ، وَتَارِيخُهَا يَعُودُ إِلَى بَدَايَةِ الْقَرْنِ الثَّلَاثِ الْمِئَلَادِيِّ، أَيْ قَبْلَ الْإِسْلَامِ وَقَبْلَ بَعْثِ مُحَمَّدٍ ﷺ. وَفِي هَذِهِ الْوَثِيقَةِ أَنَّ عِيسَى لَمْ يَصْلُبْ بَلْ صُلِبَ شَخْصٌ آخَرٌ شَبِيهِهُ لَهُ.

همچنین باید به «سند تاریخی» (انجیل یهودا) (6) که انجمن تاریخ بین المللی بر آن اذعان داشته است، توجه داشته باشند. این انجیل یکی از آثار باستانی خطی است که در مصر کشف شده است و تاریخش به ابتدای قرن

3. سیاتی مزید توضیح عن مسألة الشبيه في الموضوع القادم، وبخصوص أهمية الصلب والفداء انظر الملحق رقم (4).

4- توضیح بیشتر درباره‌ی مسأله‌ی «شبيه» در موضوع پیش رو و به خصوص اهمیت به صلیب رفتن و فدا شدن خواهد آمد. به پیوست 4 مراجعه نمایید.

5. انظر ملحق رقم (3).

6- به پیوست 3 مراجعه کنید.

سوم میلادی باز می‌گردد؛ یعنی پیش از اسلام و پیش از بعثت محمد ﷺ. در این سند آمده است که عیسی به صلیب کشیده نشد، بلکه شخصی دیگر به صلیب کشیده شد که شبیه او بود.

وما يهمننا هو أنّ مسألة الشبيه عموماً - بغض النظر عن المصداق - موجودة عند المسيحيين قبل أكثر من ألف وسبعمئة عام، وكما يقول المثل: (لا يوجد دخان من غير نار) فلو لم يكن للأمر أثر لما ظهر عند المسيحيين الأوائل وفي عقائدهم (7).

آنچه برای ما مهم است این است که به طور کلی مسئله‌ی شبیه بدون در نظر گرفتن مصداق- بیش از هزار و هفتصد سال پیش نزد مسیحیان وجود داشته است؛ و همان‌طور که در مثل گفته می‌شود: «هیچ دودی بی آتش نیست»؛ اگر این موضوع هیچ اثر و نشانه‌ای نداشت، بین مسیحیان اولیه و در اعتقاداتشان آشکار نمی‌شد. (8)

فالسؤال الذي لابد أن يتنبه له المسيحيون ويسألوا أنفسهم عنه هو: من أين أتت هذه الفرقة من المسيحيين القدماء بأن عيسى لم يصلب، وأن من صُلب هو شبيه له؟ هل هي مجرد أفكار؟ وهل هذه المسألة فكرية أم تاريخية نقلية؟ هل يمكن مثلاً القول: إن هذه الفرقة اعتقدوا أن عيسى لم يصلب وأن من صُلب هو شبيه له دون أن يكون هناك نقل تاريخي وصلهم عن طريق بعض من عاشوا زمن الصلب!!!

7. يعترف القمص عبد المسيح بسيط في كتابه "إنجيل يهوذا هل يؤثر اكتشافه على المسيحية" بأن هذا الإنجيل موجود سنة 180 م، وهو رغم تعريفه به لكن يهمني الآن اعترافه بقدم الوثيقة، يقول في ذكر الفرقة المسيحية المعتقدة بما فيه: (كان أول من ذكر هذه الفرقة وعقائدها من آباء الكنيسة الأولى، وكتب عن تأليفهم لإنجيل يهوذا، هو القديس إيريناؤس أسقف ليون بالغال "فرنسا حالياً" سنة 180م، وهذا الرجل كان تلميذاً للقديس بوليكاربوس الذي كان بدوره تلميذاً للقديس يوحنا تلميذ المسيح). والتاريخ الذي يقدمه القمص يعني أن ما يعتقد به بعض المسيحيين مما هو وارد في إنجيل يهوذا كان قبل بزوغ الإسلام وقبل مجمع نيقية المعقود سنة 325 م، انظر الملحق رقم (2).

8- كشيخ عبد المسيح بسيط، در کتابش «انجيل يهوذا؛ آیا اكتشاف این انجيل بر مسيحيت تأثيرگذار است؟» اعتراف می‌کند که این انجيل در سال ۱۸۰ م موجود بوده است. به رغم طعنه‌ای که او به آن می‌زند، آنچه اکنون برای من اهمیت دارد اعتراف او به قدمت این سند می‌باشد. وی در بیان فرقه‌ی مسیحی که به مطالب درون آن اعتقاد دارند، می‌گوید: «اولین شخص از پدران کلیسای اولیه که این فرقه و عقاید آنان را ذکر کرد و از گردآوری این عقاید، انجيل يهوذا را به نگارش درآورد، قديس إيريناؤس اسقف ليون بالکان (فرانسه فعلی) در سال ۱۸۰ م بوده است. این مرد، شاگرد قديس بوليكاربوس بوده که او نیز به نوبه‌ی خود شاگرد قديس يوحنا شاگرد مسيح بوده است». تاریخی که این کیش ا ارائه می‌دهد به این معنا است که آنچه برخی از مسیحیان به آن اعتقاد دارند و در انجيل يهوذا آمده است، پیش از برآمدن اسلام و پیش از شورای نيقیه در سال ۳۲۵ م بوده است. به پیوست ۲ مراجعه کنید.

پرسی که مسیحیان باید به آن توجه داشته باشند و از خود بپرسند این است که این فرقه‌ی باستانی از مسیحیان از کجا آورده‌اند که عیسی به صلیب کشیده نشد و کسی که به صلیب کشیده شد، شبیه او است؟ آیا این فقط چیزی بوده که در فکر آنان خطور کرده است؟ و آیا این موضوع، صرفاً مسئله‌ای عقیدتی است، یا موضوعی تاریخی است که نقل شده؟ آیا به عنوان مثال می‌توان گفت: این گروه اعتقاد داشتند که عیسی ع به صلیب نرفت و کسی که به صلیب کشیده شد، شبیه او بوده است، بدون اینکه روایتی تاریخی وجود داشته باشد که توسط برخی کسانی که در زمان به صلیب کشیده شدن زندگی می‌کرده‌اند، به آنان رسیده باشد!!

أصح كل مسيحي حر أن لا يهتم لقول الكنيسة اليوم: إن من كتبوا هذا الانجيل أو هذا النص من المسيحيين الأوائل هم فرقة مهرطقة؛ لأن هذه الفرقة أيضاً لو سألتهم في ذلك الزمان عن عقائد الكنيسة اليوم لقالوا: إنها هرطقة، ولو سألنا أريوس وأتباعه عن الكنيسة اليوم لقالوا: إنها مهرطقة، فثتم الكنيسة كل من يخالفها من المسيحيين بالهرطقة كما يفعلون اليوم مع شهود يهوا لا يقدم ولا يؤخر ولا يخفي الحقيقة التي تجلت الآن بوضوح، وهي أن ما تقوله الكنيسة اليوم أمر مختلف فيه بين المسيحيين الأوائل، بل ولا يزال مختلف فيه إلى اليوم، وفرقة شهود يهوا المسيحية خير شاهد على هذا الاختلاف اليوم.

تمام مسیحیان آزاده را نصیحت می‌کنم که به این سخن کلیسای امروز توجهی نداشته باشند: اینکه کسانی که این انجیل یا این متن از مسیحیان اولیه را به نگارش درآورده‌اند، فرقه‌ای بدعت‌گذار بوده‌اند؛ چرا که اگر در آن دوران از این گروه درباره‌ی عقاید کلیسای امروزی می‌پرسیدیم، قطعاً آنان می‌گفتند: اینها بدعت است؛ و اگر از آریوس و پیروانش درباره‌ی کلیسای امروز بپرسیم، قطعاً خواهند گفت: آنها بدعت‌گذار هستند. کلیسا هر مسیحی که با او سر‌ناسازگاری داشته باشد را به عنوان بدعت‌گذار، به دشنام و ناسزا می‌گیرد؛ به همان صورتی که امروز با شاهدان یهوه چنین می‌کنند. این حقیقتی که اکنون به روشنی آشکار شده است، نه جلو می‌افتد، نه عقب و نه پوشیده می‌ماند؛ آنچه کلیسای امروز می‌گوید، موضوعی بوده که در میان مسیحیان اولیه مورد اختلاف بوده است، و حتی تا امروز نیز در آن، اختلاف وجود دارد. فرقه‌ی مسیحی شاهدان یهوه، بهترین گواه بر این اختلاف امروزی می‌باشد.

والحقيقة الثابتة الآن - فيما يخص الصلب - أن هناك وثيقة تاريخية، وقد تم تحليلها من جهات عالمية مختصة بالآثار وبأحدث الطرق العلمية، وثبت أنها تعود لبداية القرن الثالث الميلادي، وفيها أن عيسى لم يصلب بل هناك شبيهه صلب بدلاً عنه، فهل سيكتفي المسيحيون بتصريح الكنيسة: أن هذه الوثيقة تعود لفرقة مسيحية قديمة مهرطقة؟!!!

حقيقت ثابت شدهی موجود در حال حاضر در آنچه اختصاص به صلیب کشیده شدن دارد۔ این است که سندی تاریخی وجود دارد و تجزیه و تحلیل آن از سوی گروه‌های جهانی باستان‌شناسی و با جدیدترین متدهای علمی به انجام رسیده و ثابت شده که این سند به ابتدای قرن سوم میلادی باز می‌گردد. در این سند، عیسی ع به صلیب کشیده نشد بلکه شیهی وجود دارد که به جای او به صلیب کشیده شد. آیا مسیحیان به این تصریح کلیسا که این سند، به فرقه‌ی مسیحی کهنی باز می‌گردد که بدعت‌گذار بوده است، اکتفا خواهند نمود؟!!!

هل هذا الرد من الكنيسة رد علمي؟! أليس مثلاً يمكن أن يقول لهم أي مخالف: لماذا لا تكونون أنتم من يهرطق؟! أليس الصحيح الآن وبعد ظهور هذه الحقائق أن يُبحث موضوع الصلب بموضوعية وبعلمية وبعيداً عن التعصب والتقليد الأعمى؟

آیا این پاسخ کلیسا، پاسخی علمی است؟! آیا به عنوان مثال۔ هر مخالفی نمی‌تواند به آنان بگوید: چرا شما آن بدعت‌گذار نباشید؟! آیا صحیح نیست که اکنون و پس از آشکار شدن این حقایق، موضوع به صلیب رفتن، به شکل بی‌طرف، علمی و به دور از تعصب و تقلید کورکورانه مورد بحث قرار گیرد؟

وهذا نص من إنجيل يهوذا (وبحسب ترجمة حَقَّقَتها الكنيسة مع النص القبطي) يبيِّن بوضوح أن عيسى لم يصلب، بل هناك من شُبِّه به وُصِّلب بدلاً عنه:

این متنی از انجیل یهوذا است (طبق ترجمه‌ای که کلیسا با متن قبطی

مقابله نموده) که به وضوح بیان می‌کند که عیسی ع به صلیب کشیده نمی‌شود، بلکه کسی دیگری وجود دارد که شبیه او است و به جای او بر صلیب می‌رود:

إنجيل يهوذا - المشهد الثالث:

«وقال يهوذا: يا سيد، أيمكن أن يكون نسلي تحت سيطرة الحكام؟ أجاب يسوع وقال له: "تعال، أنه أنا [... سطرين مفقودين ..] لكنك ستحزن كثيراً عندما تري الملكوت وكل أجياله".

وعندما سمع ذلك قال له يهوذا: "ما الخير الذي تسلمته أنا؟ لأنك أنت الذي أبعدتني عن ذلك الجيل.

أجاب يسوع وقال: "ستكون أنت الثالث عشر وستكون ملعوناً من الأجيال الأخرى - ولكنك ستأتي لتسود عليهم. وفي الأيام الأخيرة سيلعنون صعودك [47] إلى الجيل المقدس»

«But you will exceed all of them. For you will sacrifice the man that clothes me».

«ولكنك ستفوقهم جميعاً لأنك ستضحى بالإنسان الذي يرتديني.

ويرتفع قرنك حالياً.

ويضرم عقابك الإلهي.

ويظهر نجمك ساطعاً.

وقلبك [...] [57]».

انجيل يهوذا - مشهد سوم:

«و يهوذا گفت: ای آقا! آیا ممکن است نسل من تحت سلطه‌ی حکام

قرار گیرد؟ عیسی ع پاسخ داد و به او گفت: بیا این من هستم ... دو خط مفقود شده است.... لیکن تو هنگامی که ملکوت و نسلش را ببینی، بسیار غم‌انگیز

خواهی شد».

«و هنگامی که آن را شنید یهودا به او گفت: من چه خیری را حاصل کردم؟ چرا که تو کسی هستی که مرا از آن نسل دور ساختی. عیسی پاسخ داد و گفت: تو سیزدهمین خواهی بود و در آینده از سوی نسل‌های دیگر مورد لعنت واقع خواهی شد - لیکن تو برای پادشاهی بر آنان بازخواهی گشت و در روزهای پایانی، صعود تو را لعنت خواهند کرد ۴۷ تا نسل مقدس».

«But you will exceed all of them. For you will sacrifice the man that clothes me»

«اما تو برتر از همه‌ی آنها خواهی بود؛ زیرا تو آن انسانی را که مرا پوشیده است، قربانی خواهی کرد، و حال و وضعیت قرن تو بلند، و مجازات الهی تو شعله‌ور، و ستاره‌ات درخشان و ظاهر خواهد شد و قلب تو.... ۵۷».

وفي النص المتقدم:

در این متن:

أولاً: يهوذا يُشَبَّه بعيسى ويُصَلب بدلاً عنه ويضحى بنفسه.

اول: یهودا شبیه عیسی می‌شود، به جای او به صلیب می‌رود و خود را قربانی می‌کند.

ثانياً: إنَّ يهوذا سيأتي في آخر الزمان ليسود.

دوم: یهودا در آخرالزمان می‌آید تا آقایی کند.

فلا بد أن يكون (يهودا) المذكور في بعض نصوص (إنجيل يهوذا) كالنص المتقدم هو غير يهوذا الاسخريوطي (9) الذي سلم عيسى كما في نهاية إنجيل يهوذا: «واقتربوا من يهوذا وقالوا له: ماذا تفعل هنا؟ أنت تلميذ يسوع، فأجابهم يهوذا كما أرادوا منه واستلم بعض المال وأسلمه لهم» إنجيل يهوذا - المشهد الثالث.

به طور قطع «يهودای» آمده در برخی متون «انجيل يهوذا» مثل همین متن- کسی غیر از يهودای اسخريوطی است (۱۰) که عیسی را تحویل داده؛ همان طور که در پایان انجيل آمده است: «و به يهوذا نزدیک شدند و به او گفتند: اینجا چه کار می کنی؟ تو شاگرد عیسی هستی. يهوذا همان طور که از او انتظار داشتند، به آنان پاسخ داد؛ و او بخشی از پول را گرفت و او را به آنان تحویل داد.» (۱۱)

9. جدیر ذکره أنّ ما دعا علماء الكنيسة إلى الطعن بإنجيل يهوذا هو حملهم "يهودا" المذكور فيه على يهوذا الاسخريوطي، قال الاتبا بيشوي: (237- كيف يكون يهوذا هو كاتبه؟ كيف يكون يهوذا الاسخريوطي هو الذي كتبه ويهوذا كان قد انتحر بعد أن سلم السيد المسيح؟ فمتى كتبه؟ خاصة أنه كتب عن الساعات الأخيرة التي سبقت الصلب) سلسلة محاضرات تبسيط الإيمان. وشببه به قول العالم الكاثوليكي توماس دي وليامز "عميد كلية اللاهوت في جامعة ريجينا في روما" عن إنجيل يهوذا: (.. وثيقة ترسم يهوذا الاسخريوطي في ضوء إيجابي). وأقل ما يقال عن هكذا فهم: إنه خيانة علمية وإيهام للناس؛ لأن إنجيل يهوذا ليس فيه تصريح بأن المدح المذكور فيه أو أنّ كاتبه هو "يهوذا الاسخريوطي" الخائن، إنما هذا فهم علماء الكنيسة ليس إلا. فاليقين بخيانة هذا اللعين يستدعي وفق الإنصاف والأمانة العلمية عدم حمل اسم "يهوذا" في هذه الوثيقة عليه، والبحث عن شخص آخر اسمه يهوذا كان موجوداً في وقت الصلب، بل كان هو المصلوب بدلاً عن عيسى ع بعد أن استجاب الله دعاءه وأبعد عنه كأس الصلب الذي طلب تنحيته عنه كما هو صريح إنجيل متى ومرقس ولوقا، وقد تقدمت النصوص.

10- شایان ذکر است انگیزه‌ای که باعث شد علمای کلیسا به انجيل يهوذا طعنه بزنند این است که «يهودای» موجود در آن را به «يهودای اسخريوطی» باز می گردانند. انبا بيشوي می گوید: «۲۳۷- چطور يهوذا نگارنده‌ی آن است؟! چطور می شود که يهودای اسخريوطی همان کسی باشد که آن را نگاشته باشد؟! در حالی که يهوذا پس از تحویل دادن سید مسیح خودکشی می کند! کی آن را نگاشته است؟ به خصوص اینکه درباره‌ی آخرین ساعت‌های پیش از به صلیب رفتن بوده است!» (سلسله گفت‌وگوهای آسان‌سازی ایمان). شبیه به این سخن را دانشمند کاتولیک، توماس دی ولیمز -مسئول دانشکده‌ی لاهوت در دانشگاه رجینای روم- درباره‌ی انجيل يهوذا می گوید: «... سندی که يهودای اسخريوطی را در چشم‌اندازی مثبت قرار می دهد».

حداقل سخنی که درباره اینچنین فهمی می توان گفت این است که: این، خیانتی به علم و به اشتباه انداختن مردم است؛ چرا که در انجيل يهوذا هیچ صراحتی مبنی بر اینکه مدح و ستایش یاد شده در آن یا نگارنده‌ی آن يهودای اسخريوطی خائن باشد، وجود ندارد. این چیزی جز فهم علمای کلیسا نیست! به قطع و یقین با توجه به خیانت این ملعون، انصاف و امانت‌داری علمی چنین می طلبد که نام يهوذا در این سند را حمل بر او نکنیم؛ و بررسی و تحقیق باید در راه‌ی فرد دیگری صورت گیرد که به نام يهوذا در هنگام به صلیب رفتن وجود داشته است؛ و حتی او همان کسی است که به جای عیسی ع به صلیب کشیده شد؛ البته پس از اینکه خداوند دعایش را اجابت فرمود و جام به صلیب کشیده شدن را که تقاضای معزول داشتنش کرده بود، از او دور گردانید؛ همان طور که به صراحت در انجيل متى، مرقس و لوقا دیده می شود. این متون، پیش تر ارایه شد.

ومع الالتفات إلى أن كلمة يهوذا تعني بالعربي الحمد أو أحمد (12)، أي اسم المهدي أو المنقذ أو المعزي الموعود به في آخر الزمان، يتوضح أن المراد بيهوذا الآخر الذي شُبهه بعيسى وُصِّلَ بدلاً عنه والذي خاطبه عيسى ع بأنه سيعود ويسود في آخر الزمان هو المنقذ والمعزي والمهدي (أحمد) المذكور في التوراة والإنجيل والقرآن ووصية رسول الله محمد ﷺ (13).

با توجه به اینکه کلمه ی یهودا در عربی به معنای «حمد = ستایش» یا «احمد = ستایش کرد» (۱۴) است؛ یعنی این اسم، اسم مهدی، رهایی بخش، یا تسلی دهنده‌ای است که در آخر الزمان وعده‌اش داده شده است؛ و بیان می‌کند که منظور از یهودا، شخص دیگری است که شبیه به عیسی شد و به جای او بر صلیب رفت و همان کسی است که عیسی ع او را اینگونه خطاب قرار داده است که او باز می‌گردد و در آخر الزمان آقایی می‌کند. او مُنجی، تسلی دهنده و مهدی (احمد) ذکر شده در تورات، انجیل، قرآن و وصیت رسول خدا حضرت محمد ﷺ می‌باشد. (۱۵)

12. تقدم بيان ما في قاموس الكتاب المقدس وشرحه كلمة "يهوذا ابن يعقوب" وأنها بمعنى حمد، وسيأتي مزيد من التوضيح في معرفة الشبيه واسمه والنصوص المثبتة لهذه الحقيقة المخفية والتي تخط في بيانها الجميع في النقطة اللاحقة.

13. للمزيد راجع كتاب وصي ورسول الإمام المهدي في التوراة والإنجيل والقرآن، ورسالة الهداية، للسيد أحمد الحسن، وكذا باقي كتبه التي كشفت الكثير من الحقائق الإلهية المجهولة لدى علماء الأديان. وهذا رابط تحميلها: <http://vb.al-mehdyoon.org/t4451.html>

۱۴- این بیان در فرهنگ کتاب مقدس و شرح کلمه ی «یهودا پسر یعقوب» به معنی «حمد - ستایش» آمده است. در ادامه توضیحات بیشتر برای شناخت شبیه و نامش و متون ثابت کننده‌ی این حقیقت پنهان که همگی در بیانش اشتباه کرده‌اند، در نکته‌ی بعدی خواهد آمد.

۱۵- برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب «وصی و فرستاده‌ی امام مهدی در تورات، انجیل و قرآن» و «نامه‌ی هدایت» سید احمد الحسن و همچنین به سایر کتاب‌های ایشان که از بسیاری از حقایق الهی پنهان مانده از علمای آدیان پرده برداشته است، مراجعه نمایید.

لینک دانلود: <http://vb.al-mehdyoon.org/t4451.html>